

The Moral Philosophy of Abu Bakr Razi as a Life Guide for the Modern Individual

Emel Güvenç Cumhuriyet Theology Journal 27/1 (June 2023 ,221-233).

<https://doi.org/10.18505/cuid.1240619>

فلسفه اخلاقی ابوبکر رازی به عنوان راهنمای زندگی انسان امروزی

امل گوونچ^۱

ترجمه علی فرازمند

دانشکده زیست‌شناسی دانشگاه تهران و عضو شاخه زیست‌شناسی فرهنگستان علوم.

afarazma@gmail.com

نامه علوم پایه شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

چکیده

زکریای رازی، پزشک، فیلسوف و شیمیدان برجسته ایرانی، از جمله اندیشه‌هایی بدیع در مورد روان‌شناسی سلامت داشته که همچنان می‌توانند قابل اتکا باشند. بویژه در رساله‌های فلسفی خود در باب اخلاق بیان می‌کند که بین سلامت روانی و صلاحیت اخلاقی انسان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به گفته وی، سالم بودن انسان از نظر جسمی و روانی، به دوری از زندگی لذت‌محور، کنترل منطقی عواطف و افکار، توانایی بررسی انتقادی خود و مبارزه فعال با کمبودهایی بستگی دارد که او را از زندگی با فضیلت دور می‌کنند. در واقع، اگر فردی به امیال و غرایز خود اجازه دهد که به جای کنترل عقلانی، بر ذهن وی مسلط شوند، در نهایت نمی‌تواند از عود بیماری‌های روحی در درون خود جلوگیری کند. اینجاست که می‌توان اندیشه‌های رازی در مورد شفای روح و رشد منش اخلاقی را به‌عنوان نوعی نسخه اخلاقی برای رسیدن به زندگی با فضیلت و سعادت عملی کرد. به عقیده رازی که در تمام اندیشه‌هایش در باب اخلاق بر ارزش عقل تأکید می‌کند، انسان می‌تواند با تلفیق نیروی عقل و نیروی اراده‌ای که خداوند به او عطا کرده است، درک درستی از معنا و هدف وجود داشته باشد و به اصول اولیه چگونگی ادامه زندگی دنیوی خود دست یابد. این دانش می‌تواند به او کمک کند تا با مشکلات زندگی کنار بیاید، بر ترس‌ها/اضطراب خود در مورد مرگ خود غلبه کند و با ضعف‌های اساسی‌اش مانند خودخواهی، بخل و طمع مبارزه کند و از این طریق به سعادت زندگی دنیوی و اخروی برسد. اگرچه گمان می‌رود که ضعف‌های انسانی که رازی از آنها گفتگو می‌کند شاید به شرایط عصر زندگی او محدود باشد، اما در واقع ضعف‌های مورد بحث او، چون با وجود مادی انسان ارتباط دارند، نمی‌توان آن‌ها را در قید زمان و مکان خاصی محصور کرد. بنابراین رساله‌های رازی در مورد اعتدالی اخلاق حاوی اندیشه‌هایی است که می‌تواند انسان امروزی را که در چاره غم و اندوه خویش‌اند رانمائی کند و نشان دهند چگونه خطاهای خود را اصلاح کند و معنایی برای زندگی خود بیابد. در تلاش برای رهایی از هوا و هوس و درمان دردهایی مانند خودشیفتگی، خودآزاری، بیگانگی از مرگ، نارضایتی، مصرف‌گرایی، بی‌هدفی، بیگانگی از هستی خود و هموعان، تنهایی و باور به اینکه همه چیز را می‌توان کنترل کرد، آرای رازی در روان‌شناسی بسیار کارآمد به نظر می‌رسند. این مقاله به بررسی اندیشه‌های رازی می‌پردازد که چگونه می‌توان افراد را از نظر مادی و معنوی شفا داد و به موضوعات مختلفی مانند رهایی از غم، ترک خطا، کنار آمدن با ضعف‌های انسانی، به حاشیه نرفتن مرگ، نزدیک شدن به هستی از منظر تسلیم و در نتیجه دستیابی به شفای معنوی انسان‌ها اشاره کرد که می‌تواند راه‌گشای مبارزات حیاتی فرد در دوران مدرن باشد. هدف اصلی مقاله، بررسی سهم بالقوه رویکرد به موضوعاتی است که الگوی حاکم بر زندگی انسان امروزی در آن قرار دارند و اینکه از منظر اندیشه‌های رازی چگونه می‌توان در ارتقای اخلاق و مزایای احتمالی آن برای زندگی امروزی سود جست. نتیجه ما این است که توسل به اندیشه‌های اخلاقی رازی را می‌توان در موارد زیر مؤثر یافت: (۱) درک ارزش وجود و راهنمایی دیگران؛ (۲) مقابله با اضطراب/ترس از مرگ؛ (۳) اتخاذ تدابیر محافظتی در برابر اختلالات روانی که خود نشانه‌های مدرنیته تلقی می‌شوند؛ (۴) ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای یافتن آرامش روحی از دست رفته و رهایی از غم‌انگیز دیدن زندگی؛ (۵) رهایی از درد و غم که از جنبه‌های ضروری زندگی دنیوی است (۶) تحت کنترل داشتن هوا و هوس و امیال نفسانی؛ و (۷) توکل و تسلیم حق تعالی بودن در مواقع ناامیدی.

۱. برگردان فارسی (ترجمه علی فرازمند) با کسب اجازه از ناشر اصلی منتشر می‌شود. شاید بتوان آن را به مثابه تلاشی در رازی‌شناسی کاربردی دید که به خاطر اهمیت و وابستگی موضوعی‌اش به مقاله مروری بر احوال و آثار رازی در همین شماره آمده است. نویسنده مقاله بنا بر اشاره ژورنال تئولوژی جمهوری یک محقق مستقل است.

مقدمه

ابوبکر رازی به عنوان فیلسوفی همه فن حریف شناخته می‌شود. از چهره‌های پیشگامی است که مشاهدات مهمی در مورد سبک زندگی فلسفی، متمرکز بر عقل در فلسفه اسلامی، انجام داد. رازی تحت تأثیر فلسفه افلاطونی، رواقی و اپیکوری، در مسائل اساسی اخلاقی از سقراط پیروی می‌کند. برای همه این فیلسوفان باستان، مشکل اساسی فلسفه این بود که چگونه انسان‌ها می‌توانند به سعادت برسند. در واقع، گفت‌وگوهایی که سقراط با شهروندان آتن برقرار کرد، تمرین‌های ذهنی اپیکور با دوستانش، و گفتمان‌های فلسفی از سوی فیلسوفان رواقی، همه را می‌توان در این محدوده ارزیابی کرد. در این زمینه، رازی با فیلسوفانی مانند سقراط، افلاطون و ارسطو که از اخلاق عقلانی دفاع می‌کنند، اشتراک نظر دارد؛ فلسفه را قلمروی می‌داند که برای مراقبت از روح به کار می‌رود که ارزش عملی دارد. بنابراین، می‌توان گفت فلسفه برای رازی نوعی هنر زیستن است که راه‌های جایگزینی را برای انسان نشان می‌دهد تا ابتدا از خود و سپس به وجود معنا ببخشد و بر ضرورت زندگی با فضیلت برای رسیدن به سعادت و کنار آمدن با غم‌ها تأکید دارد. همان‌طور که در زمان رازی، مشکلات اساسی بشری در مورد چگونگی رسیدن به سعادت در دنیای امروز نیز مطرح است. در واقع، به شکلی بدیهی بین رشد معنوی فرد در عصری که در آن زندگی می‌کنیم و پیشرفت‌های تکنولوژی در قرن بیستم، تناسب زیادی وجود دارد. تفکر مدرن غربی که به مردم نوید خوشبختی مادی و معنوی را می‌دهد، با این باور شکل گرفته است که فرد می‌تواند بدون توسل به ماوراء طبیعی به رشد اخلاقی به شیوه‌ای عقلانی و معنادار دست یابد. در این زمینه، مدرنیته که پرچمدار درک فردمحور از حقیقت است، نتوانسته گرسنگی روحی ناشی از نارضایتی روحی انسان را در زندگی شاخص مصرف‌محور برطرف کند. شاید رویکرد به مسائل وجودی فرد مدرن با الهام از اندیشه‌های فلسفی رازی، انسان‌ها را در چگونگی دستیابی به زندگی آرام و متناسب با فطرتش راهنمایی کند.

همان‌طور که در زمان رازی، مشکلات اساسی بشری که در بالا در مورد چگونگی رسیدن به سعادت ذکر شد، در دنیای امروز نیز مطرح است. در واقع، بدیهی است که در عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، بین رشد معنوی فرد و پیشرفت‌های تکنولوژیکی قرن بیستم تناسب زیادی وجود دارد. اندیشه مدرن غربی که نوید سعادت مادی و معنوی را به انسان می‌دهد، با این باور شکل گرفته است که فرد می‌تواند بدون توسل به ماوراء طبیعی به رشد اخلاقی به شیوه‌ای عقلانی و معنادار دست یابد. در این زمینه، مدرنیته که پرچمدار درک فردمحور از حقیقت است، نتوانسته گرسنگی روحی ناشی از نارضایتی روحی انسان در زندگی شاخص مصرف خود را برطرف کند. در این صورت می‌توان تصور کرد که رویکرد به مسائل وجودی فرد مدرن با الهام از اندیشه‌های فلسفی رازی،

انسان را در چگونگی دستیابی به زندگی آرام و متناسب با فطرت خود راهنمایی می‌کند.

به گفته رازی خداوند انسان را عادل و عاقل می‌خواهد. اما برای انسان امیال نفسانی کارکرد گمراه‌کننده‌ای دارند. این امیال واسطه‌گرایش انسان به سوی لذات دنیوی است. با این حال، عقل توصیه می‌کند که لذت‌های معنوی که می‌تواند رضایت روحی انسان را فراهم کند، با افراط در لذت‌های دنیوی قابل تجربه نیست. به همین دلیل، انسان نباید اجازه دهد که هوس‌های شیطانی، یعنی امیال، او را هدایت کند و بهتر است او به عقل عمل کند. زیرا رازی در اثر خود با عنوان طب روحانی بر اهمیت ذهن و نکوهش هوی تأکید می‌کند. در این زمینه، رازی که عقل را در مقابل خواسته‌ها قرار می‌دهد، به کارکرد عقل در جلوگیری از بدی‌های ناشی از امیال نفسانی اشاره می‌کند. به عقیده وی، انسان با تلفیق نیروی عقلی که خداوند به او داده و نیروی اراده، قادر به درک حقیقت امور و اقدامات صحیح خواهد بود و در این راه به کمک فلسفه نیاز خواهد داشت.

نظریات رازی که اخلاق و سلامت روان را به هم پیوند می‌دهند با استدلال‌های درمانی هلنیستی و سنت طب معنوی هماهنگ اند. هدف اصلی آن تعیین اصول اساسی است که به جای تغییر باورهای نادرست در مورد یک موضوع خاص، امکان شفای هر بیماری معنوی را فراهم می‌کند. در این راستا رازی که فلسفه و طب را در کنار هم می‌داندست و آنها را با اخلاق اسلامی آمیخت، ایده طب معنوی را به عنوان یک رشته فلسفی/اخلاقی/روان شناختی که هدف آن کنترل امیال نفسانی با شواهد عقلی است، توسعه داد. طب معنوی در واقع نوعی راهنمای خودیاری برای انسان است. رازی در این راستا داستان‌های به یاد ماندنی را بیان می‌کند که نشان‌دهنده به کارگیری اصول اخلاقی است و حتی برای مقبولیت بیشتر اندیشه‌های خود اشعاری را نقل می‌کند. هدف او توسعه نوعی طب معنوی به طور کلی و تشویق فرد به تفکر فلسفی با نشان دادن اهمیت استدلال عقلانی بود. با مقایسه جذابیت لذت بخش اشتیاق با پیامدهای بد درازمدت آن که تنها عقل می‌تواند آن را پیش‌بینی و قضاوت کند، به گفته رازی، تنها فیلسوف با فضیلت می‌تواند واقعاً در مهار گذرهای او موفق باشد.

در فلسفه رازی، تحت سیطره هوس‌ها بودن ذهن، بیماری روحی تلقی می‌شود که نیاز به معالجه دارد. افکار فلسفی او برای درمان این بیماری‌های روحی و در نتیجه بهبود اخلاق، طبعاً از فساد اخلاقی عصری که در آن زندگی می‌کرد، نشأت می‌گرفت. با این حال، این وضعیت انحطاط اخلاقی، که اساساً ناشی از تسلیم شدن انسان در برابر احساسات و بیگانگی از ذات خود است، امروزه نیز ارتباط خود را حفظ کرده و از محدودیت‌های زمانی و مکانی فراتر رفته است. در واقع، در بیماری‌ها و حالات روان رنجور جدید که به

به خود که به نوعی خودبزرگ بینی است، به توانایی فرد در تفکر عینی درباره خود آسیب می‌رساند. به عقیده رازی، فردی که در برداشت شخصی‌اش از خود غیرواقع بینانه است، تمایل دارد برای فضایل خود ارزشی بیش از آنچه هست قائل شود و بر این اساس، ستایش بیشتری را طلب کند. فرد در این موقعیت در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند با شرّ خود بزرگ بینی همراه باشد.

رازی در رساله خود در مورد چگونگی ارتقای اخلاقیات می‌گوید که خود بزرگ بینی رشد انسان را دچار رکود می‌کند. این مشکل را می‌توان به صورت نادیده گرفتن بُعد هستی و در نتیجه از خود بیگانگی فرد از توان بالقوه خود نیز بیان کرد. به راستی کسی که معتقد است به همه امکانات هستی پی برده است، بُعد هستی را به تعلیق می‌کشد. رازی در این زمینه به کسانی که می‌خواهند از چنگال خودبزرگ بینی رهایی یابند - به عنوان نمونه برای انسان فردمدار امروزی - توصیه می‌کند که خودشناسی را توسعه دهد و دیدگاه‌های دیگران را در مورد خود در نظر بگیرد، اما آنها را به عنوان تنها معیار نپذیرد. او حتی به این نکته اشاره می‌کند که نباید با مقایسه خود با کسانی که در موقعیت‌های پایین‌تر هستند، ویژگی‌های منحصر به فرد خود را بیش از حد ارزش گذاری کند. هر کس این گونه رفتار کند می‌تواند با فروتنی آگاهانه به خود نزدیک شود و پیشرفت معنوی داشته باشد. اما بسیار مهم است که این تواضع بر پایه‌های عقلانی باشد؛ زیرا رازی در عین حال که نوعی نسخه اخلاقی - به این معنا که نباید خود را برتر از همتایان خود بداند - برای انسان ارائه می‌کند، همچنین تأکید دارد که نباید خود را از دیگران پست‌تر دید. به نظر رازی، آنچه در اصلاح اخلاق بیش از همه مورد نیاز است، در کنترل نگه داشتن امیال نفسانی است. در این زمینه، تلاش انسان برای رهایی از خودبزرگ بینی را می‌توان گام مهمی در جهت کنترل امیال نفسانی خود با دستورات عقل دانست.

فرهنگ مصرفی حاکم امروزه، تمایلات خودشیفتگی و زندگی لذت محور فردی را تأیید می‌کند. «الگوهای مصرف مدرن و فردگرایانه ارزش‌هایی مانند نوع دوستی، اشتراک‌گذاری و رضایت را اگر نگوئیم کاملاً حذف کرده، ولی آنها را تغییر داده است.» سبک زندگی سیری ناپذیر و مصرف محور که می‌توان آن را یکی از ضعف‌های اخلاقی فرد مدرن به حساب آورد، با مسئله طمع که رازی در فلسفه اخلاقی خود بر آن تأکید دارد، قابل بحث است. به گفته وی، بی‌شرمی که می‌توان آن را به عنوان قوت نفس شهوانی و کوری ذهن بیان کرد، از عوامل اساسی ایجاد طمع است. طمع و حالت خوردن بیش از حد لازم، همراه با میل و به عبارت دیگر پرخوری را می‌توان در زمره اعمال غیرمعتدلانه‌ای دانست که عواقب آن موجب درد و زیان مردم می‌شود. از نظر رازی، چنین تمایلات زیان باری موجب اختلالات گوارشی و در

عنوان نشانه‌های مدرنیته در عصری که ما زندگی می‌کنیم ظهور کرده‌اند و با تغییر شرایط به وجود آمده‌اند؛ تأثیر مصرف‌گرایی، از خودبیگانگی، دیدگاه فردگرایانه که دیگران را به جهنم حواله می‌کند و اعتیاد به موفقیت، انکارناپذیر است. بنابراین، می‌توان گفت که اندیشه‌های رازی در باب اخلاق، نه تنها هدایت‌گر معاصرانش بوده، بلکه همچنان می‌تواند هدایت‌گر انسان امروزی هم باشد. اصالت این پژوهش که در آن فلسفه اخلاقی رازی به عنوان یک فلسفه راهنما برای زندگی مردم امروز ارائه می‌شود، ناشی از این بحث است که چگونه اندیشه‌های او که از قرن‌ها پیش تا امروز گسترش یافته‌اند، می‌توانند به شفای معنوی و تکامل معنوی فرد مدرن کمک کنند. در این زمینه، مقاله ابتدا با رویکرد انتقادی به سبک زندگی خوددوستی و مصرف‌محور فرد مدرن در محور اندیشه‌های رازی می‌پردازد. ثانیاً چگونگی رهایی از غم زیر سؤال رفته و در این زمینه بر ارزش دیگران تأکید می‌شود. پس از آن، افکار رازی در مورد مرگ در مقایسه با ترس/اضطراب فرد مدرن از مرگ مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، اندیشه‌های او در مورد لذت و درد در چارچوب تکانه‌های اغواگرانه فرد مدرن و چگونگی کنار آمدن با آن‌ها ارزیابی می‌شود. در این مقاله که دیدگاه‌های رازی در باب فلسفه اخلاق از موضعی هدایت‌کننده برای فرد امروزی مطرح می‌شود، از منابع داخلی و خارجی استفاده شده و همه منابع مورد بحث نیز از منظر فلسفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. در مورد عشق به خود و نارضایتی فرد مدرن

می‌توان گفت که مشکلات مادی و معنوی فرد ناشی از این است که خود را در مرکز جهان می‌بیند، نمی‌خواهد از منطقه آسایش خود خارج شود؛ هدف آن چیزی است که تولید می‌کند، اولویت دادن به خیر فردی بر خیر عمومی و بیگانگی از امر مقدس. آنچه در اینجا سعی می‌شود بر آن تأکید شود، مفهوم‌سازی این است که خود را در مرکز جهان بدانیم و بهزیستی فردی را بر رفاه مشترک ترجیح دهیم. این ایده که فرد مدرن تمایل دارد تحت هدایت گرایش‌های خودشیفتگی خود عمل کند. فردی که نمی‌تواند در حُب خود معتدل عمل کند و با انگیزه‌های خودخواهانه عمل می‌کند، امکان رسیدن به آرامش معنوی را ضعیف می‌کند، زیرا برای همنوعان خود و در نتیجه به محیط اجتماعی خود فقط از زاویه منافع خود ارزش قائل است. در فلسفه‌های عصر باستان، که با این باور شکل گرفته بود که سعادت فردی تنها با دیدگاهی کل نگر حاصل می‌شود که در آن فرد جدا از اجتماع در نظر گرفته نمی‌شود، سعادت واقعی و پایدار انسان تنها به سعادت دیگری مربوط می‌شود.

در فلسفه اخلاق رازی بر این نکته تأکید شده است که عشق بی‌رویه انسان به خود باعث می‌شود که کارهای خوب خود را زیاد و بدی‌هایش را دست کم بگیرد. تلویحاً می‌توان گفت که عشق

به این فکر کنیم که آموزش اخلاقی ما را دعوت می‌کند امیال خودخواهانه خود را کنترل کنیم؛ این امر، همان طور که برای هم عصران رازی، برای انسان مدرن امروزی نیز ضروری است. با این حال، در دنیای امروز که ضرورت محدود کردن امیال خودخواهانه از بین رفته، و بی‌معنا شده است، جایی که امور شبیه‌سازی‌ها جایگزین واقعیت شده‌اند، جایی که نسبی‌گرایی اخلاقی و تأکید فردگرایی بر ذهنیت به اوج خود رسیده است، جایی که امکان معیارهای اخلاقی عینی ناپدید شده است، و در نتیجه نسبی‌گرایی اخلاقی غالب شده است، هر فرد با اتکا به این خواسته خود را کنترل می‌کند و با معیارهای اخلاقی که خود تعیین کرده، بر اساس فلسفه «من انجامش دادم، خُب اتفاق افتاد!» عمل می‌کند. در این مرحله، بازخوانی رازی که انسان را جزئی از جامعه، بنده خدا و فردی اخلاقی/موجودی اخلاقی می‌داند، ممکن است به ذهن فرگرایانه کمک کند تا اندیشه‌ای نو کند.

رازی بیان می‌کند که برخلاف ذهنیت سکولار مدرن، این تصور که مردم غرق در رفاه دنیوی به نسبت ثروت خود در زندگی آرامش پیدا می‌کنند، یک توهم است. زیرا به مرور زمان این نوع منفعت‌ها و ثروت‌های دنیوی عادی و در نتیجه تبدیل به عادت می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت میزان لذتی که فرد در نعمت دنیوی برای اولین بار تجربه می‌کند، با میزان لذتی که دائماً از آن نعمت می‌چشد، تفاوت‌های غیر قابل مقایسه‌ای دارد. بدیهی است لذت فردی که دائماً بر سر این سفره‌هاست و به ثروت عادت کرده است، متفاوت خواهد بود. در این زمینه وقتی وضعیت فردی که به تجربه لذت عادت کرده است با لذت شدید دیگری مقایسه می‌شود، می‌توان گفت که عادت کردن به لذت در واقع محرومیت بزرگی است. در این مرحله می‌توان به عنوان یک فضیلت برای انسان این را در نظر گرفت که فقط جاه طلب نباشد، یعنی خود را محدود کرده، به آنچه به دست آورده راضی باشد. در واقع، به گفته آکیول^۲ می‌توان گفت که در درک رازی از زندگی آرمانی، عناصر مادی به اندازه معنایی که به وجود انسان می‌افزایند، ارزش گذاری می‌شوند؛ چنین دیدگاهی با فرهنگ مصرفی که در دنیای مدرن امروز به شکل غیرقابل انکاری رواج دارد بسیار متفاوت است.

از نظر رازی، باید بین مقدار کسب شده و مقدار خرج شده، یعنی بین درآمد و مخارج تعادل وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، مبلغ هزینه شده باید بنحوی کمتر از مبلغ کسب شده باشد و درآمد مازاد باید برای روزهای سخت ذخیره شود. میل به انباشت انسان را به بخل می‌کشاند و نه میل به انفاق او را به انفاق زیاد وامی‌دارد. علاوه بر این، توانایی فرد برای حفظ تعادل بین درآمد و هزینه از

نتیجه بیماری‌های بد شده، و در عین حال بر جایگاه انسان در میان هموعان خود تأثیر منفی می‌گذارد. به وجهه فعلی او در جامعه آسیب می‌رساند. همان طور که مشاهده می‌شود، رازی نه تنها به آزمندی و پرخوری با آسیب‌های فیزیولوژیکی آن‌ها پرداخته، بلکه بر آن است که این گونه ضعف‌ها جنبه اخلاقی دارند؛ این ضعف‌ها می‌توانند باعث تحقیر فرد در محیط اجتماعی زندگی می‌شود که در آن زندگی می‌کند و در نتیجه عامل اجتماعی را در رابطه با فرد در جایگاه مهمی قرار می‌دهد. اگرچه این وضعیت با دلالت‌هایی مطابقت دارد که با روش‌های تفکر فردمحور مدرن ناسازگار است، اما حاوی این مفهوم است که ارزش‌های اجتماعی باید بر منافع شخصی - هر کاری که مردم انجام می‌دهند - اولویت داشته باشند

فردی که به دلیل از دست دادن معنا و ارزش‌های ناشی از مدرنیسم، وضعیت ناامنی هستی‌شناسانه را تجربه می‌کند، به نظر می‌رسد با ارزش‌های کاذبی که او را احاطه کرده‌اند، در خلأ بزرگی قرار می‌گیرد، حتی اگر پول و فرصت زیادی هم داشته باشد. متافیزیک‌دان معاصر، آر. گنون^۱ می‌گوید فرد مدرن، علی‌رغم همه پیشرفت‌های فناوری، خوشحال‌تر از قبل نیست. به گفته وی، مردم این عصر در برابر نیازهای مصنوعی خودساخته منفعل شده‌اند. او با احساس کمبود از نیازهای تحقق نیافته، در حسرت به دست آوردن آنها و رنج ناشی از عدم تحقق آنها، کور می‌شود. در این زمینه است که می‌گوئیم اندیشه‌های فلسفی رازی در خصوص ارتقای اخلاق پیشنهادی مختلفی دارد که می‌تواند از وضعیت مشکل‌ساز پیش از وقوع آن جلوگیری کند. به گفته وی، اگرچه رسیدن به استانداردهای زندگی بالاتر برای انسان همیشه خطرناک نیست، اما بهتر است استانداردهای زندگی فعلی را با توجه به سطح درآمد جدید چندان تغییر ندهید. زیرا به دنبال افزایش دریافت‌های مالی، همیشه احتمال سقوط هم وجود دارد. علاوه بر این، حتی اگر یک زندگی جدید و راحت‌تر به دست آید، ایجاد تغییرات اساسی در عادات عادی شده بدن مانند خوردن، نوشیدن و لباس پوشیدن ممکن است باعث افزایش آسیب‌ها شود. پس از آن، اگر به دلیل تحولات منفی گوناگون مجبور به جدایی از این سبک زندگی جدید ثروتمندانه شود، روح انسان در آرزوی سبک زندگی راحت قدیمی از دست رفته رنج می‌برد. رازی در این زمینه می‌گوید: «آرزوهای نفسانی آفت ذهن‌اند که با برآشتن ذهن آن را از مسیر و هدف خود منحرف کرده، مانع از آن می‌شود که فرد باهوش جهت و هدفی برای خود بیابد. پس باید برای اطاعت از امر و نهی، هواهای نفسانی خود را تربیت و کنترل کنیم.»

همان طور که در بالا توضیح داده شد، رازی ما را وادار می‌کند تا

1. René Jean-Marie-Joseph Guénon

۲. مصطفی آکیول (Akyol) کارشناس ارشد اسلام و مدرنیته در مؤسسه کاتو و نویسنده کتاب *Reopening Muslim Minds: A Return to Reason, Freedom, and Tolerance* («بازگشایی ذهن مسلمانان: بازگشت به عقل، آزادی و مدارا»). این گفته از اوست که در طلوع قرن بیست و یکم، طرفداران لیبرال دموکراسی، از جمله من، نسبت به آینده خوشبین بودند.

از نظر رازی، شفای روح با وجود اخلاقی انسان رابطه مستقیم دارد. در این زمینه، اندیشه‌های رازی در پیشنهاد راه‌های رهایی از غم، بُعد روحی انسان را مرجع می‌داند. فیلسوف اسلامی دیگر، یعقوب بن اسحاق کندی نیز مثل رازی در رساله خود با عنوان راه‌های رهایی از غم چنین گفته که امیال نفس مانع رسیدن به کمالات اخلاقی می‌شود. از این حیث می‌توان گفت فیلسوفان اسلامی چون رازی و کیندی اخلاق را داروی معنوی می‌دانستند.

به گفته رازی، غم و اندوه ذهن و در نتیجه افکار را تاریک می‌کند؛ هم روح و هم جسم را به درد می‌آورد. بنابراین، منطقی است که به دنبال راه‌هایی برای رهایی از غم باشید. اگر نمی‌توان به طور کامل از شر این غم‌ها خلاص شد، باید به دنبال راه‌هایی بود تا آسیب‌های ناشی از آن بر سلامت فرد کاهش یابند. در این زمینه، راه مناسب آن است که پیش از بروز غم و اندوه، اقدامات احتیاطی انجام دهیم و با کمترین ضرر بر موقعیت غم انگیز غلبه کنیم. بعداً که با اقدامات انجام شده نمی‌توان از غم و اندوه جلوگیری کرد، یعنی زمانی که فرد باید ناگزیر غمگینی را تجربه کند، مؤثرترین راه برای رفع آن استفاده از راهنمایی عقل است.

رازی با این پرسش که چگونه برای رهایی از غم و اندوه باید منطقی عمل کرد، از دست دادن عزیزان را یکی از عوامل اصلی غم و اندوه عنوان می‌کند. اما به گفته او، در دنیایی که آفرینش و زوال هردو حکومت می‌کند، امکان از دست ندادن عزیزان وجود ندارد. رازی در این زمینه پیشنهاد می‌کند از چیزهایی که به هنگام از دست دادن باعث درد عمیق می‌شود، به عنوان یک راه جایگزین برای رهایی از غم و اندوه فاصله بگیرید. رازی در این زمینه به دنبال پاسخی برای یک سؤال احتمالی است و چنین می‌گوید: «اگر کسی از غمگین شدن به خاطر از دست دادن چیزی بترسد و یا اگر چیزی را که دوست دارد به دست نیآورد، پیشاپیش غمگین می‌شود»، پاسخ این است که اگر کسی که از به دست آوردن چیزی که دوستش دارد اجتناب می‌کند و پیشاپیش غمگین باشد، اندوه او با اندوهی که هنگام از دست دادن چیزی احساس می‌کند، برابر نیست. مثلاً غم کسی که از نداشتن بچه دارد با غم کسی که فرزندش را از دست می‌دهد یکسان نیست. حتی اگر کسی از نداشتن فرزند ناراحت باشد، چه برسد به کسی که از نداشتن فرزند اصلاً ناراحت نیست و اهمیتی نمی‌دهد، اوضاع تغییر نمی‌کند. به همین ترتیب، غم کسی که هرگز معشوق نداشته است، مانند غم کسی نیست که عشقی را از دست داده است.» چنانکه ملاحظه می‌شود، از نظر رازی، درد ناشی از از دست دادن عزیز از لذت وجود او قوی‌تر است.

به گفته رازی، همه چیز در عالم در جریان است. آفرینش و تباهی واقعیت اساسی زندگی روی زمین است. بنابراین انسان نباید در زندگی دنیوی خود توقعات غیر واقعی داشته باشد و زندگی خود را

نظر درآمد، تحت تأثیر محیطی است که انسان در آن رشد کرده و بسته به موقعیت افراد باید با در نظر گرفتن محیط اجتماعی خود هزینه‌های خویش را مدیریت کنند پس با توجه به زمینه فوق، می‌توان گفت حفظ تعادل بین نیازهای مادی و معنوی، آرزوها و امکانات، رویاها و محدودیت‌های زندگی فرد مدرن، هم برای سعادت فردی و هم برای سعادت اجتماعی فرایندی ضروری است. تا زمانی که این الزام برآورده نشود، یعنی حصول تعادل مورد نظر در زندگی فرد «ایدئولوژی مصرف با ایجاد توهّم کمبود، همچنان در زندگی مردم شکاف ایجاد کرده، به بروز حسادت‌های بین افراد می‌انجامد».

رازی که می‌تواند نقادانه بیندیشد، دین را کنار نمی‌گذارد، بلکه شجاعت و توانایی اعتماد به نیروی عقل را نیز دارد، ۳۲ می‌گوید برای درمان بیماری‌های اخلاقی یا عادات ناپسند نفس، ابتدا باید با بررسی همه جانبه علل آن‌ها مشخص شود و سپس معقول است که با ابزارهای مناسب، این علل را از بین ببریم. در این زمینه، اندیشه‌های رازی درباره راه‌های رهایی از غم و اندوه، بعد معنوی انسان را مرجع می‌داند. به همین ترتیب، فیلسوف اسلامی دیگر، یعقوب بن اسحاق کندی نیز در رساله خود با عنوان طرق خلاصی از غم بیان کرده است که امیال نفس مانع از کمالات اخلاقی می‌شود. از این حیث می‌توان گفت که فیلسوفان اسلامی مانند رازی و کیندی اخلاق را داروی معنوی می‌دانستند.

۲. در اینکه چگونه یک فرد می‌تواند با غم و اندوه کنار بیاید

اثر طب روحانی رازی از نظر مفهومی و محتوایی اولین اثر بدیع و اصیل در زمینه سلامت روان به حساب می‌آید. رازی در این اثر اخلاق را به عنوان یک موضوع فلسفی می‌داند تا یک موضوع دینی. رازی با تمرکز بر اختلالات فردی و شخصیتی، تلاش می‌کند تا چگونگی درمان آن‌ها را تحلیل کند و در این تلاش، با این فرض شروع می‌کند که بیماری‌های روانی از علل اخلاقی، یعنی عادات نفس نشات می‌گیرند؛ ابتدا باید با بررسی همه جانبه این علل را مشخص کرد، سپس معقول است که از طریق مناسب این علل را از میان برداریم. رازی که می‌تواند نقادانه بیندیشد، دین را کنار نمی‌گذارد، بلکه شجاعت و توانایی اعتماد به نیروی عقل را نیز دارد. او می‌گوید برای درمان بیماری‌های اخلاقی یا عادات ناپسند نفس، ابتدا باید با بررسی همه جانبه علل آن‌ها مشخص شود و سپس معقول است که با ابزارهای مناسب، این علل را از بین ببریم. در این زمینه، اندیشه‌های رازی درباره راه‌های رهایی از غم و اندوه، بعد معنوی انسان را مرجع می‌داند. به همین ترتیب، فیلسوف اسلامی دیگر، یعقوب بن اسحاق کندی نیز در رساله خود با عنوان طرق خلاصی از غم بیان کرده است که امیال نفس مانع از کمالات اخلاقی می‌شود. از این حیث می‌توان گفت که فیلسوفان اسلامی مانند رازی و کیندی اخلاق را داروی معنوی می‌دانستند.

کار فردی که با درد مواجه می شود این است که با در مرکز نگه داشتن ذهن، با اراده عمل کند، مدام به خود پیشنهاد دهد و البته بیکار نماند و به کارهای خوب بپردازد. در واقع فردی که می داند چگونه از ذهن خود به درستی استفاده کند در مقابل غم و اندوه منفعل نمی شود، برعکس به دنبال راه هایی برای رهایی از موقعیت غم انگیزی برمی آید که به او آسیب می رساند. اگر توانایی از بین بردن موقعیت هایی را که باعث غم و اندوه می شود داشته باشد، علل مورد بحث را از میان برمی دارد. اگر حذف دلایل فراتر از توان او باشد، او تمایل دارد که توجه خود را به جای دیگری منحرف کند و افکار خود را کنترل کند. از سوی دیگر، اگر کسی با تمرکز به درد خویش، به افراد بی شماری که رنج می برند فکر کند و واکنش های آن ها را نسبت به چنین دردی و چگونگی کنار آمدن با آن مطالعه کند، می تواند به تخفیف غم وی و خلاص شدن از آن کمک می کند.

بر اساس اندیشه های رازی می توان گفت پریشانی روانی، که برخی آن را ناشی از شرایط سخت زندگی و برخی دیگر آن را انحراف شدید از طبیعت می دانند، بعد معنوی انکارناپذیری دارد. بعلاوه، اخلاق اجتماعی که به جای استقلال فردی بر وظیفه، مسئولیت و هماهنگی اجتماعی تاکید دارد، باید در کارهایی که افراد انجام می دهند در نظر گرفته شود. با این حال، مسئولیت فرد برای تصمیم گیری اخلاقی در مورد نحوه عمل، تنها در مورد انجام درست برای مؤمن نیست، بلکه در مورد اجرای اراده خدا در زمین است. هماهنگی رفتار با نیتی الهی نه تنها به رستگاری اخروی، بلکه به شکل گیری ثبات روانی و هماهنگی اجتماعی در این دنیا کمک می کند. در حقیقت در فلسفه رازی منشأ غم و اندوه خدا نیست. بنابراین، تمام مصائبی که از اعمال یا انتخاب خود انسان ناشی نمی شود، نه از جانب خداوند رحیم، بلکه از سر طبیعت و ضروریاتی اجتنابناپذیرند. بدین ترتیب افراد به بازگشت به وحدت/توحید الهی و در نتیجه به ذات خود فراخوانده می شوند. به این ترتیب، فردی که در زندگی دنیوی فرصت گریز از بازی های اغواکننده غرایز و احساسات خودشیفتگی را پیدا می کند، می تواند با مشکلات وجودی و دشواری های موجود در زمین مقابله کند. می تواند از وجود مادی و معنوی آن محافظت کند. در این جا می توان گفت که پیشنهادات رازی تحت عنوان راه های رهایی از غم و اندوه، اندیشه های ارزشمندی است که برای حفظ سلامت روان فرد باید مورد توجه قرار گیرد.

در مورد ضرورت حضور و هدایت دیگران در زندگی فرد مدرن

در سنت اسلامی، ارزش اخلاق با سودمندی آن برای جامعه رابطه مستقیم دارد. بنابراین، وظایف و مسئولیت ها در قبال دیگران بر

نعمتی از جانب خداوند بداند؛ نباید در حالتی که از بین نرفتن آن غیرممکن است اغراق کرد. در این زمینه، فردی که با فکرعمل می کند، از نفسانیت به عقلانیت روی می آورد. در این زمینه، فیلسوف رواقی، اورلیوس^۱، که با رازی هم نظر است، بیان می کند که زندگی دنیوی را باید در مجموع با خوبی و بدی آن ارزیابی کرد و به عنوان موهبتی که به انسان داده شده است، با این عبارات آن را تلقی کرد: آنچه برای شما به موقع است، برای من زود یا دیر نیست. ای طبیعت، هر چه از فصل ها می آید برای من میوه است...».

در رابطه با زمینه فوق می توان گفت حالات منفی، مانند غم و اندوه و درد، که فرد امروزی مجبور به تجربه کردن آن ها می شود، به رابطه او و خدا آسیب می زند، چرا که آنها را بی معنا و ظلم می داند و فراموش می کند که زندگی دنیوی محل شادی مطلق نیست، بلکه دنیای آفرینش و تباهی است. از این حیث می توان گفت انسان امروزی از این که وجود خود را فقط نعمتی تلقی کند، و گرفتاری ها را نیز واقعیاتی ببیند که به هر حال باید تجربه شوند، فاصله زیادی دارد. فردی که خود را در مرکز هستی عالم می بیند و با این فکر که باید همیشه شاد باشد عمل می کند و بر این است که برای رضایت مادی و معنوی او باید شرایطی فراهم شود، با شخصیت اخلاقی رازی کاملاً بیگانه به نظر می رسد.

به گفته رازی، اگر انسان عادت کند که موقعیت های آزاردهنده احتمالی را قبل از وقوع، به عنوان آمادگی در ذهن خود تجسم کند و آن ها را کُرا را تکرار کند، در کاهش تأثیر گرفتاری ها و تقویت اراده اش پیشرفت می کند. در آموزه های رواقی که از جهاتی با فلسفه اخلاقی رازی همپوشانی دارد، به فرد توصیه می شود که تمرینات فکری انجام دهد. این تمرینات بر روی پیش بینی رویدادهای بد احتمالی از قبل تمرکز می کنند تا برای آنها آماده شوند. «به گفته رواقیون، از طریق این تمرین، فرد می تواند خود را از نظر روانی در مواجهه با ناملایمات مقاوم کند. تجربه ذهنی شر به معنای سوق دادن شخص به سمت بدبینی نیست، بلکه برعکس، برای این است که فرد قدر شرایطی را که در آن قرار دارد بداند و دردی را که با آن مواجه می شود عادی کند، گویی قبلاً آن را تجربه کرده است.

رازی برخی از اندیشه های خود را در مورد چگونگی رهایی از غم و اندوه چنین بیان می کند: از دست دادن برخی چیزها که برای تداوم وجود انسان لازم نیست، موجب اندوه طولانی مدت نمی شود. زیرا چیزهای از دست رفته را می توان با چیزهای مختلفی جایگزین کرد که می تواند مردم را تسلی دهد. حتی بسیاری از افرادی که تجربه های منفی به ظاهر غیر قابل تحملی را پشت سر گذاشته اند، توانسته اند به زندگی عادی خود بازگردند و دوباره شاد باشند. اولین

و یک راهنما نیاز دارد. برای فرد محروم از راهنمایی یک دوست و نیز ناتوان از استفاده دائمی از تکنیک‌های تفکر صحیح در رفتار، تشخیص اشتباهات و یافتن راه‌هایی برای رهایی از آنها دشوار می‌شود. رازی در رساله مربوطه خود این موضوع را چنین نقل می‌کند:

«... کسی که می‌خواهد از اشتباهاتش خلاص شود، باید به فرد عاقلی که دائماً با اوست اعتماد کند و از او بخواهد که اگر اشتباهی در او دید، فوراً به او هشدار دهد. باز هم باید به آن شخص تاکید کند که این رفتار او را بسیار خوشحال می‌کند؛ از این بابت از او سپاسگزار خواهد بود و با سپاس فراوان هشدارهای او را می‌پذیرد. از آن شخص بخواهد که [در اصلاح او] شرمنده و خجالتی نباشد و با او [در اشتباهاتش] مدارا نکند و به او اطلاع دهد که اگر در این امر تأنی و سهل انگاری کند، آن را ظلم به خود می‌داند و در نتیجه مستحق انتقاد است».

رازی در این رابطه می‌گوید بهتر است کسی که به عنوان راهنما در زندگی انسان دخالت می‌کند اشتباهاتی را که می‌بیند به او بگوید و تاکید می‌کند این اشتباه نباید باعث ناراحتی یا خجالت شخص مرتکب آن شود. او حتی فکر می‌کند که فرد مورد انتقاد باید نسبت به راهنمایی که صمیمانه از او انتقاد می‌کند رفتارهای انگیزشی نشان دهد و چنین می‌گوید: «اگر کنترل‌شونده ببیند که کنترل‌کننده به دلیل خجالت برخی اشتباهات خود را پنهان می‌کند یا زشتی‌هایی را که می‌بیند کاملاً بیان نمی‌کند یا آن موقعیت را تایید می‌کند باید یادآور شود که این رفتار اشتباه است و او را ناراحت می‌کند. (...) علاوه بر این، اگر ببیند که کنترل‌کننده در موارد زشتی که در او می‌بیند مبالغه می‌کند، نباید عصبانی شود، بلکه باید به نشان دهد که از این کار خوشحال است». در این زمینه، فرد نباید از درخواست سرپرستی برای ارزیابی مکرر وضعیت خود در طول فرآیند، حتی زمانی که بازخورد مثبت دریافت می‌کند، دست بکشد. زیرا عادات بدی که روح به آنها عادت کرده است، حتی اگر آنها را ترک کرده باشد، ممکن است دوباره ظاهر شوند. به عقیده رازی، فردی که مایل است یاد بگیرد چگونه توسط آنهائی که با آنها رابطه دارد، ارزیابی می‌شود، به برکت این تمایل می‌تواند بفهمد که در چه مسائلی مورد تأیید و در چه مواردی مورد انتقاد دیگران قرار دارد. به این ترتیب این فرد می‌تواند خود را به آنچه که می‌خواهد باشد، نزدیک سازد.

بر اساس اندیشه‌هایی از رازی که بدانها اشاره شد، انسان: (۱) موجودی است که اشتباه می‌کند، اما می‌تواند با رفتار منطقی از آن اشتباهات اجتناب کند؛ (۲) باید بیاموزد که چه اشتباهاتی دارد و با پشتکار و با میل برای خلاص شدن از شر آنها تلاش کند؛ (۳) برای به دست آوردن اطلاعات عینی در مورد خود، ارزیابی‌های شخص/افرادی را که به خود نزدیک می‌داند در نظر گرفته، حتی از آنها

منافع خود فرد اولویت دارد. در آن سبک زندگی که فرد صرفاً برای خود وجود دارد نه برای دیگران، آگاهی خدمتگزار بودن به یک قدرت متعالی از بین می‌رود. چنین شیوه زندگی باعث می‌شود که فرد از خود و محیط خود بیگانه شود و محتوم به تنهایی در اوضاعی باشد که در آن روابط محدود کننده‌ای برقرار نشود.

از نظر رازی معقول این است که مردم با یکدیگر رابطه داشته، به همدیگر کمک کنند. بنابراین، لازمه یک زندگی خوب، روابط دوست داشتنی با دیگران است. اپیکور نیز مانند رازی می‌گوید که زندگی با دوستان و برقراری روابط محبت آمیز انسان را واقعاً خوشحال می‌کند و به او کمک می‌کند تا خود را بهبود بخشد (۴۳). به گفته او، اولین مورد از فهرست آنچه باید برای خوشبختی به دست آورد، دوستی است. لوکریوس نیز مفهوم دوستی را که اپیکور برای یک زندگی ساده اما شاد ضروری می‌بیند، با گفتن این جمله تأیید می‌کند: «افراد، بدون اینکه تقریباً هیچ پولی خرج کنند، می‌توانند با نشستن بر روی چمن، کنار نهر یا زیر سایه درختی بزرگ، اوقات خوشی داشته، با دوستان خود استراحت کنند». ارسطو نیز در اثر نیکوماخوس اخلاق دوستی را فضیلت می‌داند و می‌گوید کسی که دوستی را بر اساس فضیلت برقرار می‌کند باید با در نظر گرفتن منافع جامعه عمل کند. او با این بیان بر ارزش دوست داشتن با همدیگر مانند رازی و اپیکور تاکید می‌کند.

به گفته رازی، در روابط مبتنی بر عشق، افراد نقاط قوت خود را با هم ترکیب می‌کنند تا به نفع یکدیگر باشند. آنها می‌توانند از طریق همکاری و همبستگی به مردم کمک کنند تا زندگی زیبا و صلح آمیزی داشته باشند. رازی این موضوع را اینگونه توضیح می‌دهد:

«وقتی افراد زیادی گرد هم می‌آیند تا همکاری و همبستگی را درک کنند، کار و ساعات کاری تقسیم می‌شود. بنابراین، هر یک از اعضای آن جامعه تلاش می‌کند تا کامل‌ترین چیز را تولید کنند. در نتیجه، هر یک از آنها، به عنوان ارائه دهنده خدمات و نیز به گیرنده خدمات، همزمان چون یک کارمند و یک کارفرما عمل می‌کنند. این گونه است که زندگی زیبا می‌شود و همه سهم خود را از برکت کار دریافت می‌کنند. حتی اگر در درجه و موفقیت بین افراد تشکیل دهنده یک جامعه تفاوت زیادی وجود داشته باشد، هیچ کس با توجه به موقعیتش در یک چنین سلسله مراتبی بدون برآورده شدن نیازهایش باقی نمی‌ماند».

از سوی دیگر، رازی بر آن است که اگر انسان خواسته‌های خود را بدون چون و چرا تصدیق کند، نمی‌تواند با هدایت عقل، امیال نفسانی خویش را مهار کند و زندگی اخلاقی پیشه کند. وی در این زمینه می‌گوید اولین چیز لازم برای رهایی از خطا خودشناسی است. در کسب این خودشناسی، ارزیابی‌های عینی و بی طرفانه دوستانی از بیرون اهمیت زیادی دارد. در واقع، کسی که نمی‌تواند به تنهایی متوجه اشتباهات یا عادات بد خود نیست، به یک دوست

می‌توان به درستی فهمید که با ارجاع به خدا در نظر گرفته شود. به راستی که کمال انسان در نظام فکری او به موازات تلاش برای تشبیه به خداوند است. بنابراین، اصلاح شخصیت را که با ارجاع به صفات خداوند انجام می‌شود، می‌توان داروی معنوی شفا دهنده بیماری‌های ناشی از امیال تلقی کرد. از این حیث، فلسفه جستجوی خردی است که راه‌های مهار هوس‌ها، شکل دادن به شخصیت با هدایت عقل، آماده شدن برای مرگ و رسیدن به زندگی سعادت‌مند را نشان می‌دهد؛ این همان راه حکمت است.

در باور اسلامی، مرگ به عنوان یک غایت مطلق تلقی نمی‌شود که مبتنی بر تمایز جسم و روح است. اصل نظریه روح به عنوان جوهر این است که در انسان وجودی به نام روح حضور دارد که جزء بدن نیست و تصادفی ایجاد نشده است. روح برای وجودش نیازی به نیروی جسمانی ندارد. جوهره واحده‌ای است که با اندام‌های حسی قابل درک نیست؛ با مرگ بدن از بین نمی‌رود، متناهی نیست. این ایده، که جوهر نظریه روان‌شناسی سنتی را تشکیل می‌دهد، نه تنها زیربنای اسلام، بلکه در سایر ادیان و حیان نیز همین طور است. از این رو، رازی استدلال می‌کند که روح پس از مرگ جسمانی به حیات خود ادامه می‌دهد، بنابراین با گفتمان‌های منفی که مرگ نابودی مطلق است مخالفت می‌ورزد.

از سوی دیگر، به عقیده رازی - که ترس از مرگ را که در نتیجه ادراکات منفی از مرگ به وجود می‌آید، گرایش روح می‌است، نه ذهن - هیچ دلیلی برای ترس از مرگ وجود ندارد، حتی اگر متقاعد شوند که پس از مرگ دیگر در سطح دیگری از هستی وجود نخواهند داشت. برای کسی که بفهمد مرگ از دست دادن تمامیت جسمانی است، امکان ابتلا به فقدان لذت‌های دنیوی و دردهای جسمانی از بین می‌رود، زیرا هر دوی این‌ها برای موجودات زنده دارای بدن معتبر است. بنابراین، تصور اینکه مرگ بدتر از زندگی است، مبنای عقلی ندارد. در واقع، رازی از دیدگاه‌های سقراط و افلاطون الهام گرفته، این ایده را از نظر فلسفی توجیه می‌کند که هم آنهایی که به جاودانگی روح معتقدند و هم کسانی که فکر می‌کنند روح با بدن از بین می‌رود، نباید از مرگ بترسند. او سپس به شاعران می‌گوید: «باید از آنها بخواهیم که زندگی در هادس (Hades) را به جای تحقیر کردن آن ستایش کنند.» و بدین ترتیب به آنها القا می‌کند که می‌توان اضطراب، ترس و بدبینی را که با همه افکار درباره مرگ همراه است از بین برد.

از نظر رازی، اولین شرط برای غلبه بر اضطراب/ ترس از مرگ برای کسی که به آخرت ایمان دارد، این است که باور کند پس از مرگ زندگی بهتری نسبت به اکنون خواهد داشت. اگر فردی فکر کند که پس از مرگ در سطح دیگری از هستی عاقبت زیبایی در انتظار اوست، این ترس بی‌معنی می‌شود. اگر انسان عمر خود را در روی زمین صرف انجام کارهای نیک و زیبا کرده باشد، اگر زندگی

راهنمایی بخواهد؛ (۴) باید به شنیدن اشتباهات خود تمایل نشان دهد، توهین نکند و راهنمای خود را تشویق کند تا به کاستی‌های وی اشاره کند. (۵) می‌توان نتیجه گرفت حتی زمانی که رفتار خوب را به عادت تبدیل کرده باشد، نباید فراموش کند که همیشه امکان ارتکاب رفتار نادرست وجود دارد. زیرا انسان موجودی تمام و کمال شده نیست بلکه موجودی است که در حال شدن است. بنابراین رفتار فرد باید هم توسط خودش و هم توسط راهنمایش دائماً تحت نظارت باشد. همان طور که مشاهده می‌شود، همه این استنباط‌ها منعکس کننده فرد مدرن است. این یک کارکرد هشداردهنده دارد که نباید تمایلات خودشیفتگی نشان داد، نباید ادعا کرد که همیشه و همه جا به خوبی و درستی آگاهی دارد، باید به عنوان یک فرد اخلاقی هدفش انجام هرآنچه که درست است باشد؛ باید یاد بگیرد که به دیگران اعتماد کند و هرگز نباید فراموش کند که انتقاد به پیشرفت فرد کمک می‌کند. همان طور که گفته شد، دانش و تجربیات ارائه شده در آثار فیلسوفان گرانقدری چون رازی، نشان می‌دهد که چگونه افراد می‌توانند به زندگی بهتر و سالم‌تری دست یابند، رضایت فرد از زندگی را افزایش دهند و به او در مقابله با مشکلات وجودی و مشکلات زندگی کمک کنند. به طور خلاصه می‌توان آن را در دسته منابع دینی - فلسفی ارزیابی کرد که نتایج عملی را تغذیه می‌کنند. این منابع می‌تواند راه را برای شکل‌گیری یک سیستم جهانی نجات دهنده انسان امروزی از بحران‌های عصر حاضر هموار کند.

۴. در مورد چگونگی غلبه بر اضطراب / ترس از مرگ در فرد

موضع انسان مدرن نسبت به مرگ به شکل رضایت نسبت به امری اجتناب ناپذیر تجربه نمی‌شود، بلکه بیشتر به شکل تعویق انداختن آن و نادیده گرفتن وجود آن تجربه می‌شود. در اینجا، نادیده گرفتن واقعیت مطلق مرگ، محتوایی مشابه پیشنهاد‌های رازی مبنی بر عدم اندیشیدن دائم به مرگ ندارد. در واقع، برای فرد مدرن، مرگ به عنوان یک واقعیت عادی در زندگی درونی نمی‌شود. با آنکه مرگ واقعیتی اقتضایی دارد که می‌تواند در هر زمان و از هر کجا بیاید، اما هنوز یک پدیده نگران کننده و یک حالت ویرانگری است که مردم را می‌ترساند.

انسان با الهام از خداوند، ذاتاً موجودی است که به محدود بودن خود آگاه است و به سوی مرگ گام بر می‌دارد. از نظر رازی که مرگ را نه فنا، بلکه سرآغاز حیاتی حقیقی می‌داند که جاودانه است، خداوند علم محض، عدل محض و رحمت محض است. او خالق و استاد ماست. از آنجا که محبوب‌ترین بندگان پیرو مولای خود هستند، نزدیک‌ترین بندگان به خدا نیز دانا، عادل، و رحیم هستند. منظور فیلسوفان اسلامی مانند رازی باید این باشد که می‌گویند فلسفه فعالیت است که هر کس به اندازه قابلیتش به خدا شبیه می‌شود دیدگاه رازی در مورد زندگی فلسفی را تنها زمانی

۵. افکار رازی در مورد لذت و درد به انسان مدرن چه می‌گوید

رازی با استفاده از ابزارهای نمادین، درام روح جهانی را در داستانی بیان می‌کند. روح می‌خواست در این جهان وجود داشته باشد، اما این میل او را به یک معنا اسیر کائنات کرده است. با این حال، به دلیل وجود ذات الهی در آن، خداوند ذهن را فرستاد تا روح را از بی‌حالی نجات دهد و به او نشان دهد که خانه واقعی او اینجا نیست. اینجاست که کارکرد فلسفه برای آزادی ارواح به میان می‌آید. زیرا روح تنها از طریق عقل است که می‌تواند ماهیت واقعی عالم را درک کند و از قید هوس‌ها رهایی یابد. به عقیده رازی، انسان می‌تواند از طریق قوه مقایسه عقلانی، یعنی از طریق قیاس، پیامدهای احتمالی رفتارهای ممکن را پیش بینی کند. بر خلاف خواسته‌ها، ذهن به دنبال لذت‌های آنی نیست که می‌توان اینجا و هم اکنون به دست آورد. برای آینده نگری، به زمان حال تمرکز نمی‌کند، بلکه پیامدهای مثبت یا منفی احتمالی اقداماتی را که در آینده انجام می‌شود نیز در نظر می‌گیرد. از این حیث، افراد را به سمت انتخاب درستی هدایت می‌کند که در درازمدت به نفع آنها باشد.

در اندیشه رازی در باب لذت و درد، لذات به دو دسته تقسیم می‌شود: لذات دنیوی و اخروی. در حالی که لذت‌های دنیوی بر اساس خواسته‌های روح شکل می‌گیرند، لذت‌های اخروی ارتباط تنگاتنگی با انتخاب بر اساس دستورات ذهن دارند (۶۵). در واقع، عملکرد نادرست ذهن، یعنی ناتوانی ذهن در انجام کامل وظایف خود، از خواسته‌های مبتنی بر روح ناشی می‌شود. در این مرحله، فرد می‌تواند از طریق آموزش و تمرینات مختلف اطمینان حاصل کند که ذهن به طور کامل وظایف خود را انجام می‌دهد. از نظر رازی، انسان با قدرت اراده می‌تواند این امیال را که از ذات خودش است سرکوب کند، با آنها مبارزه کند و به تدریج خود را عادت دهد که تسلیم اوامر نفس نگردد. در این زمینه، رازی از این نکته غافل نمی‌شود که در بین مردم اختلافات فراوانی وجود دارد و هر فردی شخصیت خاص خود را دارد و مبارزه با نفس برای برخی آسان، برای برخی دیگر دشوار است.

از سوی دیگر، رازی که سرکوب امیال نفسانی و مبارزه با آنها را با بالاترین بُعد فضیلت همراه می‌کند، نظریه لذت و درد خود را با استناد به قدرت متعالی و اعتقاد به زندگی پس از مرگ استوار می‌کند. به گفته وی، احساس لذت و درد در وجود دنیوی با پایان یافتن زندگی به پایان می‌رسد. اما در وجود پس از مرگ، احساس لذت به طور مستمر و بی‌نهایت تجربه می‌شود. بنابراین معقول است که لذتی را که می‌توان در آخرت بدون درد تجربه کرد، بر احساس لذت محدود و محدود در این دنیا ترجیح داد. پس سزاوار نیست که انسان عاقل با شوق لذت‌های جسمانی به دنبال

مبتنی بر فضیلت داشته باشد، دینی که به آن اعتقاد دارد، قبلاً به او نوید رستگاری و زندگی جدید در صلح و برکت داده است. ولی اگر انسان نمی‌تواند به دین معینی کاملاً متعهد شود، در شک و تردید و یا کم علم باشد، باید در آموختن این دین بکوشد و از صمیم قلب آن را تأیید کند، یعنی دینی که صرفاً با انجام اعمال صالح و نیکو نوید آرامش می‌دهد. اگر قادر به این کار نیست، باید فکر کند که خداوند بسیار بخشنده است و به خود اطمینان دهد.

رازی با بیان این که آنچه اجتناب‌ناپذیر است نباید موجب غم و اندوه شود، می‌گوید: عاقلانه نیست که انسان دائماً به مرگ فکر کند و اندوهگین شود. در واقع، عقل که هرچه را برای انسان سودمندتر است، پیشنهاد می‌کند، توصیه می‌کند که مرگ را در ذهن نداشته باشید. پیشنهاد دور ماندن از فکر مرگ را نباید با رویکردی تقلیل‌آمیز مانند نادیده گرفتن واقعیت‌ها ارزیابی کرد. به گفته رازی، اگر فکر مرگ برای انسان سودی نداشته باشد، برعکس، دائماً او را غمگین می‌کند، بهترین کار این است که مرگ را از ذهن او دور کنیم تا از نظر جسمی و روحی سالم‌تر باشد. در این زمینه، شاید حیوانات با توجه به رابطه آنها با مرگ، موجوداتی رشک برانگیز باشند. آنها به دلیل فطرتشان هیچ نگرانی از مرگ ندارند. تمرکز بیهوده بر ترس از مرگ باعث می‌شود قبل از اینکه زمانش برسد، درد را چندین برابر متحمل شوید. فردی که مدام به مرگ می‌اندیشد، زمانی که از مرگ دور است دچار اضطراب مرگ می‌شود و بر تنش او می‌افزاید و از لذت بردن از وجود خود محروم می‌شود. بنابراین «عاقل اگر چیزی موجب غم و اندوه باشد و رفع آن ممکن باشد، به جای غمگین شدن به فکر رفع آن می‌باشد. اگر چیزی است که از بین نمی‌رود، از آن دوری می‌کند و در چیز دیگری آرامش می‌یابد؛ او می‌کوشد آن را از بین ببرد و فراموش کند». مانند رازی، فیلسوف اسلامی دیگر به نام کیندی نیز افکار منفی درباره مرگ را به دلیل معقول نبودن آنها مورد انتقاد قرار می‌دهد. از نظر او آنچه شر است خودِ مرگ نیست بلکه ترس از مرگ است. انسان ذاتاً فانی است. پس مرگ صرفاً مکمل طبیعت ماست.

از سوی دیگر، گرچه تصور می‌شود که می‌توان بین پیشنهاد رازی مبنی بر عدم توجه به مرگ و بیگانگی فرد مدرن از مرگ در هر دو بعد فیزیکی و فکری آن تشابهی برقرار کرد، اما در واقع بدیهی است که کوری در سبک زندگی مدرن - در مورد وجود مطلق و قریب‌الوقوع بودن مرگ - و نگرش تمرکز کامل بر روی زندگی بدون فکر کردن به این موضوع می‌کوشد از طریق ابزارهای عقلانی زمینه سازی کند. زیرا همانطور که در بالا ذکر شد، رازی در حالی که می‌گوید مردم باید با فضیلت زیستن برای مرگ آماده شوند، در واقع خود را در درون گفتمانی قرار می‌دهد که مرگ را بیگانه نمی‌کند، بلکه مقابله با آن و درونی کردن آن از طریق عقلانیت را توصیه می‌کند.

نعمت‌های دنیوی برود.

از نظر رازی انسان از حیث لذت سیری ناپذیر است. انسان چیزی را که ندارد آرزو می‌کند و برای به دست آوردن آن تلاش می‌کند و از دست دادن داشته‌هایش می‌ترسد. قرن‌ها پس از رازی، شوپنهاور نیز به سیری ناپذیری انسان اشاره کرده و می‌گوید: «هر آرزوی ارضا شده، آرزوی تازه‌ای به بار می‌آورد. هیچ رضایت احتمالی در این دنیا نمی‌تواند میل شدید او را برآورده کند، برای خواسته‌هایش هدف نهایی تعیین کند، یا گودال بی‌انتها قلب او را پر کند.» (۶۹). و کی یرکگور^۱ فیلسوف اگزیستانسیالیست نیز اظهار داشت که انسان به دلیل سیری ناپذیری نمی‌تواند از آنچه که دارد راضی باشد و احساس ملال ناشی از این سیری ناپذیری این گونه بیان می‌شود: «انسان خسته از زندگی روستا به شهر می‌رود. خسته از وطن خود، به خارج از کشور می‌رود. از خوردن در بشقاب‌های چینی خسته می‌شود و در نقره می‌خورد. این را اینگونه بیان می‌کند: «از نقره خسته می‌شود و طلا می‌شود».

از نظر رازی لذت با دور شدن از حالت عادی یعنی خروج از حالت طبیعی حاصل می‌شود. زیرا لذت حاصل از خوردن و آشامیدن با احساس گرسنگی نسبت مستقیم دارد. رازی می‌گوید لذت تنها پس از تجربه دردی که پیش از آن بوده است، می‌تواند تجربه شود. از این رو رازی ضمن تبیین ماهیت لذت اظهار می‌دارد کسانی که لذت را احساسی عاری از درد می‌دانند اشتباه می‌کنند. علت اینکه انسان سیری ناپذیر همواره دنبال لذت می‌دود این است که نمی‌داند لذت بدون درد حاصل نمی‌شود و مراحل سختی را که تا رسیدن به لذت باید طی شود در نظر نمی‌گیرد.

از سوی دیگر، رازی معیارهای عقلی را در این که چقدر از احساس لذت انسان باید محدود شود، آورده است. از نظر رازی، فراوانی یا کمبود لذت بر اساس نیاز هر انسانی به آن تعیین می‌شود. به عنوان مثال؛ در مورد غذا خوردن، شایسته است انسان طوری غذا بخورد که به او آسیبی نرساند و باعث بیماری نشود. به همین ترتیب، فرد باید برای محافظت از بدن لباس بپوشد. او باید در خانه‌ای زندگی کند که از سرما و گرما محافظت کند. اما در این مرحله رازی - که تعادل دخل و خرج را در نظر می‌گیرد - بیان می‌کند که زندگی راحت و با درآمد زیاد ضرری ندارد، مشروط بر اینکه انصاف داشته باشد و برای کسب ثروت صرفاً از روی بلند پروازی تلاش نکند.

همان طور که مشاهده می‌شود رازی به مردم توصیه می‌کند که حتی از نظر نیازهای اولیه مانند پوشاک، سرپناه، خوردن و آشامیدن معتدل عمل کنند. رازی در اینجا، به عنوان یک فیلسوف، زندگی راحت را که ممکن است تا حدی برای ثروتمندان ممکن باشد، به شرط عدم دستیابی به مال و دارایی محدود می‌کند. درک آسایش در عصری که رازی در آن می‌زیست، البته با درک آسایش

در عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، تفاوت‌های غیر قابل مقایسه‌ای دارد. مردم امروزی که خود را به کالایی قابل عرضه در بازار تبدیل کرده‌اند و در مصرف خسته شده‌اند، اعتیاد تقریباً اجتناب‌ناپذیری به آسایش پیدا کرده‌اند. در این زمینه، افکار فلسفی رازی که در بالا توضیح داده شد، برای فرد مدرنی که عاشقانه به زندگی راحت دلبسته است، کارکردی راهنما دارد.

از نظر رازی، روح انسان به دنبال لذت است. همان طور که کودکی که چشمش آسیب دیده است مدام می‌خواهد چشم‌هایش را بمالد، خرما تازه بخورد و زیر نور آفتاب بازی کند، انسان نمی‌تواند از لذتی که در کوتاه‌مدت به دست می‌آورد دست بکشد، حتی اگر بعداً برایش درد ایجاد کند. اما کاری که یک انسان عاقل باید انجام دهد این است که عواقب احتمالی را، آنگاه که نتواند امیال طبیعی و امیال نفس خود را سرکوب کند و به راه درست عمل کند، در نظر بگیرد. شخصی که با راهنمایی ذهن خود علیه امیال نفس خود طغیان می‌کند ممکن است در ابتدا احساس درد کند، اما بعداً احساس آرامش می‌کند.

از سوی دیگر، رازی بر لزوم میانه‌روی در رفتارهای انسان برای کنترل امیال خود، یعنی ایجاد تعادل بین زهد و زیاده‌روی تأکید می‌کند. او در اثرش، فی سیرته، که فیلسوفانه زیستن را توضیح می‌دهد، از ضرورت دوری از لذت نفسانی صحبت می‌کند و همچنین از تربیت خویشنداری که با رویکردی غیرعقلانی، یعنی زاهدانه سعی در اجرای آن می‌شود، انتقاد می‌کند. البته در این مرحله به گفته رازی، شرایطی که انسان در آن قرار دارد، گرایش‌های طبیعی، تحصیلات و غیره است. تعیین معیارهای کلی برای اجتناب از لذت‌ها بسیار دشوار است، زیرا آنها با یکدیگر متفاوت هستند. شرایط مختلف ممکن است دوری از لذت‌های مختلف را کم و بیش دردناک کند.

از نظر رازی، لذت به مرور زمان به عادت تبدیل می‌شود. وقتی به این مرحله رسید، نه می‌توان به اندازه قبل از آنها لذت برد و نه می‌توان آنها را رها کرد. این حالت به ویژه در کسانی که به زنان، موسیقی و شراب علاقه مفرط دارند مشاهده می‌شود. عمل همیشگی دنبال کردن لذت اینک به یک ضرورت تبدیل می‌شود و افراد را به غفلت از مسئولیت‌های مادی و معنوی آنها سوق می‌دهد. به گفته رازی، چنین افرادی مانند حیواناتی هستند که طعمه در دام، آنها را فریب می‌دهد. در واقع، آنگه که حیوانی در دام می‌افتد، نه از طعمه بهره می‌برد و نه می‌تواند از دام بگریزد. در این زمینه، رازی بر آن است که تدریج درعادت کردن به رفتار صحیح در مبارزه با لذت‌ها، برای انسان سودمند خواهد بود و از طریق عادت، پیام آوران راه‌ها را طی می‌کنند [رهرو آن است که پیوسته و آهسته رود]؛ وی با بیان اینکه سربازان می‌توانند در

که ابوبکر رازی فلسفه اخلاقی را توسعه داد که می‌تواند با غلبه بر محدودیت‌های زمانی و مکانی در افکارش در مورد چگونگی کنار آمدن با غم و اندوه انسان و چگونگی کنترل بُعد غم و اندوه انسان، فلسفه اخلاقی را توسعه دهد.

رازی طی بحث در مورد اینکه چگونه می‌توان اخلاق را بهبود بخشید، در واقع به همان اندازه که بدنش را سیر می‌کند، به انسان عصری که از نظر روحی گرسنه است می‌پردازد. اندیشه رازی در مقوله اخلاق بعد زمانی را در نور دیده، در اینکه که چگونه فرد مدرن می‌تواند از شر اشتباهات خلاص شود، چه نوع نگرشی باید نسبت به لذت‌ها ایجاد کند، در باب آسیب‌های ناشی از خودشیفتگی، تمایلات خودشیفتگی، و در مضرات سیری ناپذیری با امیال دنیوی و روش‌های منطقی تفکر درمقابل با مرگ، از فواید نگاه رحمت به دیگران، گفتاری بس راهنما و ذهن گشا بیان کرده است. در این زمینه، بر اساس اندیشه‌های رازی در اصلاح اخلاق می‌توان چنین جمع بندی کرد: (۱) مصرف گرایی را باید یک بیماری معنوی تلقی کرد و این بیماری را می‌توان با مبارزه با سیری ناپذیری روح درمان کرد؛ (۲) تنها با دوست داشتن و اعتماد به همنوعان خود می‌توان از انزوا، بیگانگی، فردگرایی و تمایلات خودشیفتگی رها شد؛ (۳) می‌توان با کمک به شادی دیگران بر احساس بی معنی و بی‌ارزشی غلبه کرد؛ (۴) اینکه آفرینش و تباهی ذات زندگی زمینی است و سعادت مطلق توهمی بیش نیست؛ (۵) علی رغم همه پیشرفت‌های فناوری، طبیعی است که انسان با موقعیت‌هایی مواجه شود که در آن احساس درماندگی می‌کند، و منطقی است با آنچه در چنین شرایطی اتفاق می‌افتد سازگار شود. (۶) برای رهایی از اضطراب مرگ باید با یک زندگی نیکو در این دنیا برای مرگ آماده شد؛ (۷) روح پس از مرگ در سطح دیگری از هستی به حیات خود ادامه خواهد داد و تصور مرگ به عنوان فنا صحیح نیست. (۸) می‌توان ارزیابی کرد که عدم کنترل هوس‌ها از طریق عقلانی، فرد را به نارضایتی روحی، از دست دادن لذت از زندگی و در نتیجه بیماری‌های روانی سوق می‌دهد. از این حیث می‌توان آرای اخلاقی رازی را به عنوان ندایی کهن ارزیابی کرد که فرد امروزی را به بازگشت به ذات خود دعوت می‌کند و در نتیجه می‌توان گفت که آثار وی باید همواره به عنوان منابع ارزشمند فلسفی در دستور کار قرار گیرد که می‌تواند انسان‌ها را از بن بستی که در آن گرفتار شده‌اند نجات بخشد.

برابر جنگ مقاوم شوند، تاکید می‌کند که روش تدریجی در کنار آمدن با لذت‌ها جایگاه مهمی در حیات دارد. به عقیده وی، فردی که سعی می‌کند ابتدا با امیال ساده کنار بیاید و سپس به تدریج با امیال پیچیده و شدید روح درگیر شود، شاهد آن است که نفس شهوانی در برابر امیال نفس متفکر روی به تسلیم می‌آورند. در این جا، افکار رازی از نظر رهایی فرد مدرن از زندگی لذت محوری که در آن غرق است، ارزش عملی پیدا می‌کند. اما مشکل اصلی در اینکه چگونه فرد می‌تواند از خواسته‌های خودخواهانه‌ای که او را به سقوط روحی می‌کشاند خلاص شود، قبل از هر چیز پذیرفتن این واقعیت است که این امیال به او آسیب می‌زند و بعد حاضر باشد برای رهایی از آنها پیگیرانه تلاش کند. در حقیقت، این داوطلبی در انسان مدرن - که فکر نمی‌کند وجودش در خدمت هدفی است و در سایه فردگرایی محض و بی‌پایان هیچ آگاهی از ضرورت ارزش‌های اخلاقی/معنوی ندارد- آسان نیست.

نتیجه گیری

در سنت فکری اسلامی پذیرفته شده است که هم مشکلات جسمی و هم مشکلات روحی انسان ارتباط مستقیمی با زندگی اخلاقی او دارد. در این زمینه، به عنوان یک فیلسوف اسلامی و نماینده یک سنت فکری که در آن خداوند در جایگاه مرکزی قرار دارد، اندیشه‌های رازی در مورد بیماری و سلامتی از بسیاری جهات با شیوه‌های تفکر ناپسند مدرن منطبق نیست. در واقع، در سکولاریزه شدن جوامع غربی، دیندار در پارادایم روانشناسی بدون معنویت از خود بیگانه شده است. این وضعیت به این معناست که اندیشه‌ها و اعمال دینی در مواجهه با دانش علمی تأثیر خود را از دست می‌دهند. دقیقاً در این نقطه است که روش‌هایی را که رازی برای رفاه روانی انسان ضروری می‌داند، می‌تواند به عنوان بررسی فلسفی روح ارزیابی شود. در واقع، سلامت روان، آن گونه که همه ادیان جهانی آن را درک می‌کنند، ارتباط تنگاتنگی با مشکلات وجودی و متافیزیکی دارد. در عین حال، فرهنگی که یک فرد در آن رشد می‌کند و سنت مذهبی/معنوی که ارزش‌های اصلی او را شکل می‌دهد، بخشی جدایی ناپذیر از معنای انسان بودن است. می‌توان گفت که روان‌شناسی مدرن غربی در اینجا به دلیل تعصبات معرفت‌شناختی تثبیت‌شده‌اش، که از امر مقدس جدا شده است، کوتاهی می‌کند. در این مرحله، می‌توان ادعا کرد

- Akyol, Aygün. "Ebû Bekir Râzî ve Felsefî Düşünce Sistemi". *Journal of Islamic Research* 30/1 (2019), 42-57.
- Akyüz, Turgut. *Ebubekir Zekeriyya er-Râzî'nin Felsefî Görüşleri*. İstanbul: Ravza Yayınları, 2017.
- Aristoteles. *Nikhomakhos'a Etik*. çev. Zeki Özcan. Bursa: Sentez Yayıncılık, 2014.
- Aurelius, Marcus. *Kendime Düşünceler*. çev. Y. Emre Ceren. İstanbul: Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları, 3. Basım, 2018.
- Balıkçı, Üsame. "İslâmî Psikolojinin İmkânı, Gerekliliği ve Nasıllığı". *Eskiye Dergisi* / 44 (2021), 409-431. <https://doi.org/10.37697/eskiye.957836>
- Bauman, Zygmunt - Lyon, David. *Akışkan Gözetim*. çev. Elçin Yılmaz. İstanbul: Ayrıntı Yayınları, 2013.
- Bircan, Hasan Hüseyin. "Ahlak: Mutluluk ve Erdem". *İslam Felsefesi -Tarih ve Problemler-*. ed. M. Cüneyt Kara. 655-684. İstanbul: Diyanet İşleri Başkanlığı Yayınları, 6. Basım, 2018.
- Botton, Alain De. *Felsefenin Tesellisi*. çev. Banu Telliöğlu. İstanbul: Sel Yayıncılık, 24. Basım, 2022.
- Corbin, Henry. *İslam Felsefesi Tarihi*. çev. Hüseyin Hatemi. İstanbul: İletişim Yayınları, 8. Basım, 2010.
- Cortés Cortés, Manuel Enrique vd. "Remembering Muhammad ibn Zakariya Al-Razi: Classical Physician, Chemist and Philosopher". *Lecture Notes on Multidisciplinary Research and Application*. 37-40. Canada: Malaysia Technical Scientist Association, 2018.
- Çağrı, Mustafa. "Hevâ". *Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi*. 17/274-276. İstanbul: TDV Yayınları, 1998.
- Druart, Therese Anne. "The Ethics of al-Razi". *Medieval Philosophy and Theology* / 6 (1997), 47-71.
- Guénon, René. *Modern Dünyanın Bunalımı*. çev. Mahmut Kanık. İstanbul: İnsan Yayınları, 2. Basım, 2017.
- Günel, Tuğba. *Kelam'da Nefs Fenomenolojisi*. Ankara: Ankara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doktora Tezi, 2020.
- Güvenç, Emel. *Manevi Danışmanlığın Felsefî Temelleri*. Bursa: Bursa Uludağ Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doktora Tezi, 2022.
- Hadot, Pierre. *İlkçağ Felsefesi Nedir?* çev. Muna Cedden. Ankara: Dost Kitabevi, 2. Basım, 2017.
- Hökelekli, Hayati. "İslam Geleneğinde Psikoloji Kültürü". *İslami Araştırmalar Dergisi* 19/3 (2006), 409-421.
- Karaman, Hüseyin. "Bir Biyografi Denemesi: Ebu Bekir er-Razi". *Çorum İlahiyat Fakültesi Dergisi* 3/6 (Aralık 2004), 101-128.
- Karaman, Hüseyin. "Ebu Bekir er-Râzî: İlahî Gölgesinde Bir Filozof". *İslam Felsefesi -Tarih ve Problemler-*. ed. M. Cüneyt Kaya. 119-143. İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, 6. Basım, 2018.
- Karaman, Hüseyin. "Ebu Bekir er-Râzî'nin Felsefesinin Kaynakları". *Dinbilimleri Akademik Araştırma Dergisi* 2/1 (2002), 33-50.
- Karaman, Hüseyin. "Ebu Bekir er-Râzî'nin Mülhidliği Bir Gerçeklik mi, Yoksa Tarihsel Bir Yanılgı mı?" *Ekev Akademi Dergisi* 6/11 (2002), 107-123.
- Kaya, Mahmut. "Ünlü Hekim-Filozof Ebû Bekir Er-Râzî ve Hekimlik Ahlakı ile İlgili Bir Risalesi". *Felsefe Arkivi* / 26 (Temmuz 2013), 227-246.
- Kierkegaard, Søren. *Kahkaha Benden Yana*. çev. Nedim Çatlı. İstanbul: Ayrıntı Yayınları, 2000.
- Kindî, Ya'kûb b. İshak. *Üzüntüden Kurtulma Yolları*. çev. Mustafa Çağrı. Ankara: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, 3. Basım, 2017.
- Kutluer, İlhan. *İslam Felsefesi Tarihinde Ahlak İlminin Teşekkülü*. İstanbul: Marmara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doktora Tezi, 1989.
- Mirza, Gözde Aynur. *Yeni Dinselleşme Eğilimleri ve Maneviyat Arayışları*. İstanbul: Boğaziçi Üniversitesi Yayınevi, 2018.
- Öztürk, Ümit. "Narsistik ve Hacı Tüketim Kalıplarıyla Gelen Huzursuzluk ve Diğerkâmlığın Yitimi Üzerine". *European Journal of Educational & Social Sciences* 5/2 (2020), 124-135.
- Platon. *Devlet*. çev. Neval Akbıyık - Serdar Taşçı. İstanbul: Metropolis Yayınları, 1989.
- Rashed, Mohammed Abouelleil. "Islamic Perspectives on Psychiatric Ethics". *Oxford Handbook of Psychiatric Ethics*. ed. John Sadler vd. 495-519. Oxford: Oxford University Press, 2015.
- Rassool, G.Hussein - Mugheera M. Luqman. "Islâmic Psychology". *Foundations of Islâmic Psychology*. 229-234. Newyork: Routledge, 2023.
- Râzî, Ebu Bekir Muhammed b. Zekeriyya. "Ahlakın İyileştirilmesi". çev. Mahmut Kaya. *Felsefe Risaleleri*. ed. Ferruh Özpilavcı. 82-196. İstanbul: Türkiye Yazma Eserler Kurumu Başkanlığı Yayınları, 2016.
- Râzî, Ebu Bekir Muhammed b. Zekeriyya. *Felsefe Risaleleri*. çev. Mahmut Kaya. ed. Ferruh Özpilavcı. İstanbul: Türkiye Yazma Eserler Kurumu Başkanlığı Yayınları, 2016.
- Râzî, Ebu Bekir Muhammed b. Zekeriyya. "Filozofça Yaşama". çev. Mahmut Kaya. *Felsefe Risaleleri*. ed. Ferruh Özpilavcı. 196-216. İstanbul: Türkiye Yazma Eserler Kurumu Başkanlığı Yayınları, 2016.
- Râzî, Ebu Bekir Muhammed b. Zekeriyya. *et-Tıbbu'r-Ruhani*. çev. Hüseyin Karaman. İstanbul: İz Yayıncılık, 2. Basım, 2008.
- Saruhan, Müfit Selim. "İslam Düşüncesinde Ahlâk İlmi". *Eskiye Dergisi* / 28 (Mayıs 2014), 53-66.
- Schopenhauer, Arthur. *Hayatın Anlamı*. çev. Ahmet Aydoğan. İstanbul: Say Yayınları, 7. Basım, 2017.
- Sotillos, Samuel Bendeck. "Towards an Islamic Psychology and Psychotherapy". *Spiritual Psychology and Counseling* 7/3 (2022), 409-416.
- Türer, Celal. "Ahlâk Bunalımının Nedenleri". *Çağımızın Ahlâk Bunalımı ve Çözüm Arayışları*. ed. Hüseyin Sarıoğlu. 15-32. İstanbul: Ensar Neşriyat, 2009.
- Vahidmanu, Vahidvazhakkad. "Psychology in Islamic Ethics". *The Muslim World* 71 /3-4 (1981), 213-227.